

از فردی که طلاق گرفته این سوالات را نپرسید!

27 بهمن 1401

فردی که طلاق را تجربه کرده، بی‌شک دچار تنش و آشفتگی درونی خواهد شد، پس باید در برخورد با این افراد محتاطانه‌تر رفتار کرد.

«از کسی که طلاق گرفته یا ازدواج ناموفق داشته، هیچ‌وقت نپرسید چرا جدا شدی؟ شما یه سوال مسخره رو از روی کنجکاوی می‌پرسین، ولی اون برای جواب دادنش باید تمام خاطرات و گذشته تلخش رو نبش قبر کنه».

ذهن طلاق‌گرفته‌ها را آشفته نکنید

معمولا بعد از این‌که زن یا مردی از همسرش طلاق می‌گیرد، ذهنش تهدید گرا و حساس به وقایع اطراف خود می‌شود. به زبان ساده اتفاقی که قبلا وی را آزرده خاطر نمی‌کرد اکنون وی را به هم می‌ریزد و واکنش نامتناسبی را در وی بر می‌انگیزد. مهم‌ترین دلیل آن، کاهش آستانه تحمل فشار روانی و زود عصبانی شدن است بنابراین به همین دلیل در تعامل با افراد طلاق‌گرفته باید دقت کنیم که با سوال‌های به ظاهر ساده و دلجویانه، ذهن آن‌ها را آشفته‌تر نکنیم.



فشار روزانه برای تعریف یک ماجرای تلخ

همه ما قبل از هر چیز لازم است بدانیم که علت طلاق و اختلافات زناشویی، چندانکه و معمولا از گذشته شروع و به حال ختم می‌شود بنابراین فردی که از همسرش جدا شده، به شدت تحت فشار قرار می‌گیرد که چگونه تمامیت آن را برای شما در پاسخ به این سوال که «چرا جدا شدی»، بگوید. به ویژه با محوریت حق به جانب بودن خود و متهم کردن طرف مقابل و از طرفی مترصد واکنش شما هم هست که وی را تایید کنید و اگر متوجه شود که تایید نمی‌کنید یا فقط دارید به ظاهر با وی همدردی می‌کنید، بیشتر عصبی می‌شود و برای توجیه شما تلاش بیشتری می‌کند و تصور کنید این اتفاق پر تنش هر روز با

چند نفر تکرار شود.

سوالی که شاید خود فرد هم جوابش را نداند

دوست، یکی از اعضای فامیل یا همکار شما طلاق گرفته و شما به ملاقات وی می‌روید و از سر خیرخواهی و برای کمک به وی سوال می‌کنید چرا جدا شدی؟ ولی نمی‌دانید نفر چندم هستید که وی مجبور به تعریف برزخ روحی روانی خود برای شماست. پس مراقب باشید برای همدردی با وی دوستش باشید نه بازپرس و بی‌قید و شرط پذیرای وی باشید. گاه فرد در فرایند این بحران به این نتیجه می‌رسد که خودش هم مقصر است و در پاسخ به سوال شما شاید نتواند این موضوع را شفاف طرح کند و مجدد همسرش را مقصر جلوه دهد که خود این تضاد بار روانی زیادی را به وی تحمیل می‌کند.

گاهی فرد دیگری را مقصر می‌داند که ممکن است از اقوام یا نزدیکان شما باشد و بی‌شک در طرح آن با شما دچار مشکل خواهد شد. همان‌طور که متوجه شدید، علل طلاق و اختلافات زوج‌ها چند وجهی و گاهی بسیار مبهم است بنابراین تلاش نکنید موضوعی را که هنوز خود فرد درباره آن آگاهی کافی ندارد، از وی جویا شوید.

یک توصیه اکید به والدین محترم

والدین از همه مشتاق‌تر هستند که دلیل طلاق فرزندشان را بدانند و به‌نوعی مقصر را بیابند که در این بین متاسفانه معمولاً با سوگیری نسبت به فرزند خود دست به تعبیر غلط وقایع می‌زنند و مشکل را بحرانی‌تر می‌کنند؛ بنابراین توصیه اکید می‌شود اگر درایت و تدبیر کافی در خود نمی‌بینند، از مداخله در کشف علل و پیدا کردن مقصر پرهیز کنند. بهترین کار در این مواقع کمک از فردی حاذق، بی‌طرف و با تجربه است تا روان فرزندتان بیشتر از قبل آسیب نبیند.